

- ۱- جواب گزینه ۱ / با کاید گزینه ۲، ۳ و ۴ رد می‌شوند؛ کاید: مکار، حیل
- ۲- جواب گزینه ۲ / گزینه ۱ با دادگاه اضطراب رد می‌شود / گزینه ۳ با وصل شدن و گذرگاه رد می‌شود / گزینه ۴ هم با محل عبور و خوردنی و آشامیدنی رد می‌شوند (استیصال: درماندگی، بیچارگی؛ در اصل: از بن برانداختن؛ هم‌خانواده با مستأصل)
- ۳- جواب گزینه ۳ / هزاهز: فتنه‌ای که مردم را به جنبش آورد، آشوب؛ سروصدا و غوغا و پریشانی و آشفتگی // گسیل کردن: روانه کردن، فرستادن // پایاب: بخش کم عمق آب، جایی از رود یا دریا که کم عمق باشد و پا به ته آب برسد // دهشت بار: ترسناک
- ۴- جواب گزینه ۴ // گزینه ۱ با نغصان (نقصان)، گزینه ۲ و ۳ با ثلانه (سلانه) رد می‌شوند
- ۵- جواب گزینه ۲ // الوحیت < الوهیت؛ غدر < قدر
- ۶- جواب گزینه ۳ // گزینه ۱ با عنبانی (انبانی) گزینه ۲ با وذر (وزر) و گزینه ۴ با هلیت (حلیت)
- ۷- جواب گزینه ۱ // با حس آمیزی و حسن تعلیل گزینه‌های ۲، ۳ و ۴ رد می‌شوند // دل کوه گرفتن: استعاره؛ شیرین: ایهام // دل: مجاز؛ هان و کان: جناس
- ۸- جواب گزینه ۴ // تجار: استعاره از عاشقان؛ سودا: ایهام؛ متاع بوسه، نقد جان و بازار عشق: تشبیه
- ۹- جواب گزینه ۱ // این گزینه ۵ تشبیه دارد < هندو صفت؛ زلف مانند لیلی، عقل مانند مجنون، لب مانند شیرین، دل مانند فرهاد // ۲) ۴ تشبیه دارد؛ ۳) دو تشبیه // ۴) ۳ تشبیه دارد
- ۱۰- جواب گزینه ۴ / بیت الف و ب اسلوب معادله ندارد گزینه ۲ و ۳ رد می‌شوند؛ //د: استعاره؛ آفتاب انور و آینه // ج: اسلوب معادله؛ //ب) زر و بر جناس // الف: بو: ایهام
- ۱۱- جواب گزینه ۲ // گزینه ۱ و ۴ با صفت نسبی رد می‌شوند / گزینه ۳ فاقد قید صفت است // ۲ < نخستین بار: قید؛ فعل شنیدم نیاز به مفعول دارد؛ ایرانی: صفت نسبی؛ بسیار: قید صفت
- ۱۲- جواب گزینه ۳ // الف: آغشته: صفت مفعولی از مصدر آغشتن؛ بیت ب: «زنده» صفت فاعلی؛ / بیت ج: «ژنده» صفت مطلق / بیت د: «نخستین» صفت شمارشی ترتیبی
- ۱۳- جواب گزینه ۴ // ۱) دستش: (مضاف الیه)، ۲) زیر طوق غبغبش (مضاف الیه)؛ ۳) جان فدایش (مضاف الیه)؛ ۴) آن را خوش آراست (مفعولی)
- ۱۴- جواب گزینه ۱ // اگر در سرنوشت (ضمیم: مضاف الیه) بهره‌ای از آزادگی (نهاد) وجود داشته باشد... بس (مسند) است ... برای فریب (متمم) مردم آزاده
- ۱۵) جواب گزینه ۳ // ۱) درست است < عزم شما، آفرین گوی رزم شما؛ باور شما، نگهبان شما؛ / ۲) درست است < بیت اول دو جمله ساده و بیت دوم جمله مرکب است؛ / ۳) نادرست است < آفرین گوی: صفت فاعلی مرخم، اما صفت نسبی ندارد / ۴) همه ابیات اسنادی هستند؛ نگهبان شما: نگهبان هسته گروه است
- ۱۶- جواب گزینه ۴ / صورت سؤال اشاره دارد آنچه را دنبالش می‌گشتم همیشه همراه بود؛ این مفهوم در گزینه ۴ دیده می‌شود // ۱) از یار نشانی به دست نیاوردم خودم هم بینشان گشتم / ۲) عشق عقل را از کار می‌اندازد / ۳) از زمانی که تو از نظرم برفتی به کس دیگر نگاهی نینداختم
- ۱۷) جواب گزینه ۲ // معنی بیت صورت سؤال < از زمانی که گرفتار عشق تو شدم و عشق تو در من آویخت، دیگر اگر بخواهم به گلستان بروم (و به چیزهای خوب و زیبای دیگر فکر کنم) از نادانی و کوتاهی فکری خواهد بود.؛ گزینه ۲: اگر باغ و دشت نمونه‌ای از باغ بهشت باشد بدون تو ما علاقه‌ای به آن نداریم
- ۱۸) جواب گزینه ۳ // صورت سؤال اشاره دارد که در برابر رفتار نادرست، به مهربانی و لطافت پاسخ دادن؛ ۱) خاموشی و گوش دادن دیگران را به سخن گفتن وامی‌دارد / ۲) به بیچارگی دیگران مخند که سزای این خنده بیهوده را خواهی دید / ۳) روزی می‌توانی ادعای بزرگی کنی که در برابر بدی، پاسخی به خوبی بدهی // ۴) در روزگار خوشی وای دیگران را داشته باشد تا در روزگار ناخوشی کمتر رنج بکشی

۱۹) جواب گزینه ۴ / مصراع صورت سؤال از حافظ است: حسنت به اتفاق ملاحظت جهان گرفت / آری به اتفاق جهان می توان گرفت // به اتفاق: همدستی. همکاری. اتحاد. // ۱) جان ما از معشوق جدا نیست همان طور که موج از دریا جدا نیست // ۲) قطره اگر از اصل خود دور افتد نابود خواهد شد بیا تا به دریا برسیم // ۳) جهان برای کسی جاویدان نیست // ۴) آب چشم فقیر تبدیل به سیلی می شود و همه چیز را نابود خواهد کرد؛ تا حدودی معنی اتحاد و یکی شدن در این مصراع مطرح می شود.

۲۰) جواب گزینه ۱ // الف) بهره مندی از کار و تلاش خود و وابسته نبودن به دیگران // ب) نفی جهد و کوشش // ج) بی توجهی دنیا برای ما اهمیتی ندارد چون دنیا برای ما ارزشی ندارد / د) توصیه به تلاش و کوشش // ه) هر چیزی در جهان فایده ای دارد

۲۱) جواب گزینه ۲ // صورت سؤال: نفی احتیاج به // ۱) سفر برای به دست آوردن سیم و زر و روا شدن کارها با سیم و زر / ۲) اهل اراده به کسی تکیه ندارند / ۳) اگر اراده را به کاری بگماری حتماً به نتیجه مطلوب می رسی / ۴) مرغی که در بی مکانی آشیان دارد به زمین نیازی ندارد

۲۲) جواب گزینه ۳ // مفهوم صورت سؤال به فکر آسایش و آرامش دیگران بودن؛ نیکوکاری در حق دیگران؛ ۱) در زیان و ضرر همراه خلق بودن ارزشمند است؛ ۲) اگرچه به دیگران فایده می رسانم اما به داشته های خود قانع هستم؛ ۳) دوری کردن از آدم ها فقیر صحیح نیست؛ کسی با سایه خودش بدرفتاری نمی کند؛ ۴) ای کاش دوستان هم مانند دشمنان در ادعای خود پابرجا بودند.

۲۳) جواب گزینه ۴ // گزینه های ۱، ۲ و ۳ اشاره دارند روزگار دورو دارد و در ادامه هر سختی آسانی هم وجود دارد

۲۴) جواب گزینه ۱ // معنی صورت سؤال: نگاه کن که سرانجام آن پروانه شاد، چگونه خود را به آتش می زند. زمانی که نوری از شمع به پروانه برسد. بلافاصله پروانه، پروازکنان از دور پیدا می شود. مفهوم: شوق وصال و دیدار؛ تجلی معشوق باعث بی خودی عاشق می شود

۲۵) جواب گزینه ۳ // معنی عبارت: من از طبیعت یاد گرفتم که مثل درختان میوه دار بی آنکه ادعایی داشته باشم. تماماً بزرگواری و بخشندگی باشم. بدون این که انتظار تشکر یا ستایش داشته باشم.